

# زنگ خطر افزایش بلوغ زودرس در دختران

خروج از کودکی و ورود به نوجوانی با نشانه‌هایی همراه است. به‌طور طبیعی بلوغ در دختران از حدود 10 سالگی شروع می‌شود اما گاهی دختران کوچکتر را می‌بینیم که نشانه‌های بلوغ به شکل مشهودی در آن‌ها دیده می‌شود.

از آنجایی که بلوغ زودرس یک نوع اختلال در سلامتی فرد است و عموماً در سنینی رخ می‌دهد که کودک در مقطع دبستان یا پیش‌دبستان است، عملکرد 2 وزارتخانه بهداشت و آموزش و پرورش در این زمینه مهم است.

بلوغ یک‌سری توالی منظم است؛ یعنی باید انتظار آن تغییر را در ادوار متوالی داشته باشید. به عبارت ساده‌تر می‌دانید در هر دوره‌ای چه اتفاقی قرار است برای فرد بیفتد و در نهایت به یک انسان بالغ تبدیل می‌شود. در واقع بلوغ به‌طور کل به معنای ظهور صفات ثانویه جنسی است.

## بیشتر موارد بلوغ زودرس دختران همراه با علت خاصی نیست

به‌منظور بررسی دلایل بلوغ زودرس به سراغ دکتر محسن خوش‌نیت، فوق تخصص غدد درون‌ریز و متابولیسم و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران رفتیم. او در گفت‌وگو با خبرنگار مهرخانه به علل بلوغ زودرس اشاره کرد و افزود: های آن‌ها بیماری یا بیماری‌ها علل آن است؛ زیرا ممکن است زمینه‌های مختلف بررسی کرد. یکی از این جنبه‌بلوغ زودرس را باید از جنبه مادرزادی باشد که نیاز به درمان جدی دارند. ممکن است به دلیل تومور مغزی، تومور تخمدان یا تومور غدد فوق کلیوی، فرد دچار بلوغ زودرس باشد. گاهی تومورها خوش‌خیم و گاهی بدخیم هستند. گاهی هم ممکن است اختلال مادرزادی در ترشح هورمون‌ها در غدد فوق کلیوی وجود داشته باشد. بنابراین به هر حال از لحاظ علت باید بررسی شود. بیشتر موارد بلوغ زودرس در دختران معمولاً همراه با علت خاصی نیست. پسران عکس این وضعیت را دارند و عموماً علت مشخصی برای بلوغ زودرس‌شان پیدا می‌شود.

## کوتاهی قد و مشکلات روانی از عوارض بلوغ زودرس

خوش‌نیت با اشاره به عواقب بلوغ زودرس تصریح کرد: بلوغ زودرس باعث ایجاد جهش رشدی زودتر در دختران می‌شود. صفحات رشد نیز زودتر بسته و باعث می‌شود قد کودک کوتاه باقی بماند؛ گرچه اوایل رشد می‌کند اما به علت بسته شدن سریع‌تر صفحات رشد در سنین پایین‌تر، قد کودک کوتاه باقی می‌ماند. بنابراین باید حتماً درمان شود. از طرفی بلوغ زودرس به لحاظ روانی برای کودک مشکل‌ساز است؛ وقتی می‌بیند هم‌سن‌وسالان خود علایم بلوغ را ندارند ولی یک‌سری علایمی در بدنش ایجاد شده که با دیگران فرق می‌کند، از لحاظ روانی برای کودک مشکل‌ساز می‌شود و نیاز به درمان دارد.

## 8 سالگی؛ سن بلوغ زودرس

این فوق تخصص غدد در مورد نشانه‌های بلوغ بیان کرد: اولین علامت بلوغ در دختران جوانه‌های پستانی است که مادران باید به این نشانه اهمیت دهند. اگر دیدند جوانه‌های پستانی قبل از سن 8 سالگی در دختران ایجاد شد، بلافاصله به متخصص غدد مراجعه کنند. بعد از ایجاد جوانه‌های پستان، با فاصله حدود 6 ماه موهای ناحیه زیربغل و ناحیه تناسلی هم تدریجاً ایجاد می‌شود. شروع سن طبیعی بلوغ در دختران به‌طور متوسط 10 تا 11 سالگی است. بلوغ قبل از 8 سالگی، بلوغ زودرس است. اگر بلوغی بعد از 8 سالگی اتفاق بیفتد ولی خیلی سریع پیش برود، به‌طوری که در فواصل کمتر از سه ماه مراحل بلوغ تغییر کند نیز باید درمان شود. بلوغ پنج مرحله دارد که در معاینه تخصصی مشاهده می‌شود. اگر ببینیم بلوغ سریعاً پیش می‌رود، آن را به‌طور موقت متوقف می‌کنیم.

## توقف نشانه‌های بلوغ تا سن نرمال آن

این عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره درمان بلوغ زودرس گفت: در زمینه درمان باید اول بررسی کنیم به چه علتی فرد دچار بلوغ زودرس شده است. با توجه به این که در بسیاری از مواقع در دختران علت پیدا نمی‌شود، داروهایی تجویز می‌کنیم که جلوی تغییرات هورمونی ایجادشده را به‌طور موقت بگیریم. مصرف داروها در سن نرمال بلوغ، متوقف شده و زمانی که دارو قطع شود، تغییرات هورمونی دوران بلوغ به مرور برمی‌گردد. بنابراین لازم است گاهی چند سال داروها تجویز شوند. معمولاً داروها به صورت تزریقی است و ماهانه یا سه ماه یک‌بار تزریق می‌شود.

## زنگ خطر بلوغ زودرس برای مسئولان

از آنجایی که بلوغ زودرس یک نوع اختلال در سلامتی فرد است و عموماً در سنینی رخ می‌دهد که کودک در مقطع دبستان یا پیش‌دبستان است، عملکرد 2 وزارتخانه بهداشت و آموزش و پرورش در این زمینه مهم است.

چندی پیش مهناز احمدی‌دستجردی، مدیرکل امور زنان وزارت آموزش و پرورش در این زمینه اظهار کرد که به دلیل بلوغ زودهنگام جنسی دختران، آموزش‌هایی که پیش از این در دوره راهنمایی رایج می‌شد، به سال ششم ابتدایی انتقال یافته و مدارس مکلف به ارزیابی آموزش‌ها

هستند. این اقدام در آشنایی کودکان با بلوغ مؤثر است اما اقدامی نیست که منجر به پیشگیری از بلوغ زودرس شود.

از طرفی وزارت بهداشت هم برنامه مشخصی در زمینه پیشگیری و کنترل این اختلال ارائه نداده است؛ البته برخی دانشگاه‌های علوم پزشکی اعلام کرده‌اند که یکی از برنامه‌های واحدهای جوانان، نوجوانان و مدارس، معاینات دانش‌آموزان است که در شناخت زودرس اختلالات و درمان به‌موقع مؤثر است.

روند کاهش سن بلوغ و بروز بلوغ زودرس، زنگ خطری است برای مسئولان تا با اقدامات خود چه به‌صورت معاینات تخصصی در مدارس و چه به‌صورت فرهنگسازی برای اصلاح سبک زندگی، به کنترل سن بلوغ بپردازند.

منبع: مهرخانه

## ازدواج خردسالان در پاکستان رو به افزایش است

عکس: [DFID-UK Department for International Development](#)

نوشته: (IRIN)

ترجمه خانه امن: در شهر کوچک و پر گرد و خاک "خیرپور" واقع در استان "سند" در جنوب پاکستان، که بازارهای پارچه‌های دست‌باف و رودوزی‌شده ویژه آن منطقه و همچنین خرماهایی را می‌فروشند که به وفور در آن منطقه رشد می‌کنند، سومرای 11 ساله روحیه بسیار خوبی دارد و خوشحال است.

دختری با چشمان روشن، که موهای بلند و تیره‌اش دم‌اسبی بافته شده، قرار است ظرف یک هفته ازدواج کند. درست مانند هر دختر بچه دیگری، او بابت النگوهای رنگارنگ، پارچه‌های رودوزی شده و کفش‌های براقی که سرتاسر خانه‌ای را پر کرده‌اند، شاد و ذوق‌زده است.

دخترک می‌گوید: «ازدواج کردن چیز قشنگی است. همه به من توجه می‌کنند، و به پوستم اویپان (خمیری سنتی از جنس زردچوبه برای نرم کردن پوست) می‌زنند، درست مثل زنان زیبایی که در فیلم‌های درام تلویزیونی می‌بینم.»

اما در اتاق بغلی، مادر سومرا، کلثوم بگوم، غمگین است. کاملاً آشکار است که این مادر شش فرزند، که پنج نفرشان دختر هستند، بخاطر اینکه بزرگترین فرزندش قرار است اینقدر زود ازدواج کند ناراحت است. دلایل دیگری نیز برای ناراحتی‌اش وجود دارد.

اگرچه سومرا هنوز اطلاعی از این ماجرا ندارد، اما مردی که قرار است با او ازدواج کند 45 سال دارد، یعنی تقریباً چهار برابر سن سومرا.

او برای این ازدواج مبلغی معادل 4 هزار و 237 دلار آمریکا به پدر سومرا پرداخت کرده است.

کلثوم می‌گوید: «او تنها یک دختر بچه است. هیچ چیزی از ازدواج نمی‌داند و خبر ندارد رابطه‌اش با شوهرش قرار است چه چیزهایی برایش به همراه داشته باشد.»

در خیرپور، شهری که تقریباً 125 هزار نفر جمعیت دارد، و در 450 کیلومتری شمال شرقی شهر بندری کراچی واقع شده است، چنین ازدواج‌هایی به طور روزافزونی رایج است. کراچی بزرگترین مرکز شهری پاکستان و مرکز استان سند است.

هنوز معلوم نیست چه تعداد ازدواج خردسالان در سال در پاکستان رخ می‌دهد. باور می‌رود که بیشتر چنین مواردی از ازدواج‌های اجباری، که بسیاری از آنها در مناطق روستایی دوردست اتفاق می‌افتد، گزارش نمی‌شوند.

فعالان حقوق بشر می‌گویند: سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سال 2012 خود چنین گزارش داد که علی‌رغم افزایش آگاهی درباره انواع خشونت علیه زنان، اینگونه ازدواج‌ها زیاد رخ می‌دهند.

صندوق توسعه سازمان ملل برای زنان (UNIFEM) جنبشی علیه ازدواج‌های اجباری در پاکستان به راه انداخته است، اما بنا به گفته

فعالان حقوق بشر، در حال حاضر، با وجود این تلاش‌ها، این روند همچنان ادامه دارد.

منطقه سند و جنوب پنجاب یکی از فقیرترین مناطق کشور است، و تحقیقات انجام شده پیرامون این موضوع نشان می‌دهد که این عاملی کلیدی در افزایش چنین پیوندهای غیرقانونی است، که طی آن، والدین اغلب وسوسه می‌شوند که دخترانشان را در ازای قیمت بالای پیشنهادی دامادهایی بفروشند که چندین برابر «عروس‌ها» سن دارند.

قیمت عروس معمولاً بین 1400 تا 5000 دلار است، و دختران جوانتر قیمت بالاتری دارند. خانواده‌هایی که مشکلات اقتصادی حادی دارند گفته‌اند «چاره‌ای ندارند» جز اینکه دخترانشان را به مردان مسن بفروشند. این در حالی است که در بسیاری از موارد، این معامله، بدون مشورت با دیگر اعضای خانواده، تنها توسط یک عضو خانواده که تقریباً همیشه مذکر است؛ مثل پدر یا پدربزرگ دختر، انجام می‌شود.

هینا جیلانی، نماینده ویژه مدافعان حقوق بشر در سازمان ملل به «آی آر آی ان» گفت: «اینجا جامعه‌ای است که از بسیاری لحاظ منحرف و غیراخلاقی است. گزارش‌هایی داریم که چنین ازدواج‌هایی به طرز روزافزونی در حال افزایش هستند، و فقط زمانی متوقف می‌شوند که قانون اجرایی شود.»

طبق قانون پاکستان، قانون جلوگیری از ازدواج کودکان مصوبه سال 1929 اعلام می‌دارد که هیچ زنی زیر 16 سال و هیچ مردی زیر 18 سال اجازه ازدواج ندارد. اما مثل دیگر بخش‌های قانون که هدفشان حمایت از آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه پاکستان است، این قانون نیز به ندرت اجرا می‌شود.

با این حال، استثناهایی نیز وجود دارد. در ماه مارس سال 2004، قاضی شهر دادو در سند، دستور حمایت از اختیار را صادر کرد؛ او دختری 7 ساله بود که پدرش او را به مردی 35 ساله برای ازدواج فروخت. کودک توانسته بود از چنگ شوهرش فرار کند، و مادرش به دادگاه رفته بود تا مانع فروش دخترش شود.

با وجود این قوانین، چنین مداخله‌هایی نسبتاً به ندرت رخ می‌دهند. سازمان‌هایی که مدارس دخترانه را در مناطق روستایی خیرپور و دیگر مناطق سند اداره می‌کنند، گزارش داده‌اند که در بسیاری از موارد، دخترها نمی‌توانند مدرسه‌شان را تمام کنند چون به محض رسیدن به سن نوجوانی و یا حتی زودتر از آن، ازدواج می‌کنند.

بارداری در دخترانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ سلامت عاطفی، اغلب بی‌نهایت مضر است.

آسیه 15 ساله، که سه سال پیش مجبور شد ازدواج کند، اکنون به همراه دو فرزندش، به منزل پدر و مادرش نزدیک خیرپور برگشته است. مادرش، «دلشاد بی بی» به «آی آر آی ان» گفت: «آن دختر از سوی پدرش به مردی 30 ساله به عنوان زن دومش فروخته شد، که با وی «مانند یک برده رفتار می‌کرد»، به او تجاوز می‌کرد، شکنجه‌اش می‌داد، و سپس از خانه شوهرش با لگد بیرون انداخته شد چون وی، زن سومی گرفت که جوانتر بود.»

طبق قوانین اسلامی که در کشور اجرا می‌شود، مردها اجازه دارند با چهار زن در آن واحد ازدواج کنند. درست مانند قوانینی که رضایت هر دو زوج و زوجه را برای ازدواج لازم می‌دانند، این ماده قانونی نیز که بر اساس آن، چنین ازدواج‌هایی می‌تواند فقط با رضایت زن‌های کنونی اتفاق بیافتد، اغلب نادیده گرفته می‌شود.

سازمان‌هایی مانند کمیسیون حقوق بشر پاکستان موارد شکنجه و خشونت علیه دخترانی را ثبت کرده‌اند که از سوی پدران‌شان به فروش رفته‌اند. دختران 9 و یا 10 ساله نیز شامل این قربانیان هستند.

جیلانی گفت: «باید آگاهی بیشتری درباره طیف وسیع‌تری از حقوق زنان و کودکان به وجود آید و همچنین باید برای کسانی که با فروش فرزندان‌شان، قوانین را نقض می‌کنند، مجازاتی تعیین شود. معافیت از مجازاتی که برای آنها موجود است شرایط را وخیم‌تر کرده است.»

در این میان، سومرا همچنان بازیگوشی می‌کند و به پیراهن و دامن روشن و پولک‌دوزی شده‌اش دست می‌زند؛ این لباسی است که قرار است روز عروسی‌اش بر تن کند. او الگوهای را که مناسب لباسش بود بر دستانش گذاشت. برای او، تمام این رویداد، چیزی بیش از یک بازی کودکانه نیست. اما در آینده خواهد فهمید که پایان بازی، چگونه خواهد بود.

# جایی برای دختران فراری

رویاتاجی: روزنامه نگار

90 درصد دختران فراری به دلیل مشکلات خانوادگی از خانه فرار می‌کنند و سن آنها به 12 سال رسیده است.

این آمار را چند ماه پیش حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی بهزیستی اعلام کرد. آماری که تا چند سال قبل جزو خط قرمز های مسئولان بود ولی این روزها آنقدر افزایش داشته که آمار آن را می‌دهند. هر چند آمار دقیقی از دختران فراری در دست نیست، ولی آنها هستند، همه جای شهر، قبلاً 20 تا 25 ساله بودند حالا 9 تا 12 ساله

داستان همینجا به پایان نمی‌رسد، چند روز گذشته معینی کارشناس آسیب های اجتماعی، در همایش بررسی آسیب های اجتماعی، اعلام کرد که در مدت 7 سال متوسط سن فحشا از 28 سال به زیر 20 سال رسیده و در حال حاضر کف این سن تا 13 سالگی پایین آمده یعنی در میان نوجوانان به طور روزافزونی گسترش یافته است.

فرار دختران از خانه به دلایل مختلف آنقدر افزایش داشته که امروز وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از راه‌اندازی [اولین مرکز نگهداری از دختران فراری در تهران خبر داد](#). دخترانی که در تهران به دنبال خوشبختی می‌گردند.

علی ربیعی گفت: در حال حاضر شاهد هستیم که دختران زیادی به دلیل اختلاف‌های ساده نظیر اجبار در ازدواج، تفاوت ارزش‌های بین نسلی، عشق‌های مجازی و غیره از خانه فرار می‌کنند و نیاز است که برای کمک به این دختران برنامه ریزی شود.

وی ادامه داد: بعد از فرار این دختران به این خاطر که در جامعه جایی برای آنان در نظر گرفته نشده است، آنها به ناچار به افرادی پناه می‌برند که صلاحیت نداشته و به همین دلیل مورد سوء استفاده نیز قرار می‌گیرند.

ربیعی خاطرنشان کرد: مطالعات نشان می‌دهد که اگر دختران بعد از فرار به مرکز حمایتی روی آورند دیگر درگیر آسیب‌های اجتماعی متعدد نشده، اما اگر چنین نشود، این دختران تا مرز تن‌فروشی نیز جلو رفته و در بسیاری از مواقع مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند.

وی راه‌اندازی مرکزی برای دختران فراری را گونه‌ای از خیر جمعی دانست و اظهار کرد: اگر بتوانیم مراکزی را راه‌اندازی کنیم که دختران فراری به آن مراکز آورده شوند، پس از آن می‌توانیم از طریق شناسایی خانواده‌های آنها، شرایط را برای بازگشت این دختران به کانون خانواده‌هایشان فراهم کنیم.

ربیعی در پاسخ به این سؤال که آیا آمار مشخصی از دختران فراری وجود دارد یا خیر؟، گفت: آمار مشخصی از این دختران موجود نیست؛ زیرا تمام دختران فراری شناسایی نمی‌شوند.

نتایج [یک تحقیق](#) که در سال 92 منتشر شده به بررسی وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوءاستفاده از آنان پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد؛ عدم توجه و بی‌احترامی، آزار و اذیت و انواع سوءاستفاده از آنان، محدودیت و محرومیت شدید، سردی روابط و کم‌محبتی، تبعیض قایل شدن و آشفتگی خانواده از عوامل فرار دختران از خانه‌ها بوده است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، با توجه به وضع فرهنگی و اجتماعی ایران، پدیده دختران فراری، نوعی انحراف اجتماعی است. یک پدیده اجتماعی زمانی به‌عنوان یک انحراف اجتماعی تلقی می‌شود که با انتظارات و توقعات جامعه یا حداقل با یکی از گروه‌های اجتماعی درون جامعه سازگار و منطبق نباشد و حتی با آن در تعارض باشد. دختران فراری کسانی هستند که به دلایل مختلف و در اثر فشارهای ناشی از شرایط سخت زندگی، غالباً به‌رغم میل باطنی اقدام به ترک خانه و کاشانه خود کرده و از کانون خانواده جدا می‌شوند و عموماً در شهری دیگر بدون داشتن مأمنی مناسب و خانه‌ای دائمی ساکن می‌شوند. این گروه دختران عموماً به دلایلی نظیر فقر، خشونت، محدودیت‌های غیرمنطقی، آزار دیدگی، رها شدن از سوی اطرافیان به‌خصوص خانواده و... روی به خیابان‌ها می‌آورند و اکثریت آنها به تدریج به دلیل امرارمعاش و همچنین نداشتن سرپناه به کارهایی خلاف هنجارهای اجتماعی روی می‌آورند.

روزانه پدر و مادرهای زیادی به دستگاه قضایی و نیروی انتظامی مراجعه می‌کنند و با طرح شکایتی مبنی بر این‌که دخترشان ربوده شده است، از مأموران می‌خواهند دختر ناپدید شده‌شان را پیدا کنند. بیشتر این والدین، ادعا دارند، دخترانشان دچار حادثه شده‌اند یا افراد بزهکاری آنها را ربوده‌اند. اما بررسی‌های پلیسی نشان می‌دهد که اکثر این گونه دختران که در آغاز تشکیل پرونده «دختران فقدان» نام می‌گیرند، به میل خود از خانه فرار کرده‌اند. این دختران که دور از چشم پدران و مادران به طرق مختلف به زندگی غمباری تن می‌دهند حتی در صورت پشیمانی به خاطر خراب کردن پل‌های پشت‌سر، روی برگشتن به خانه را ندارند.

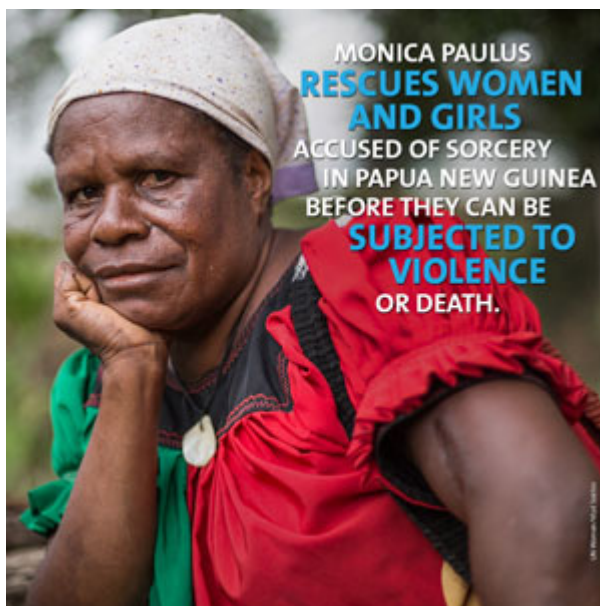
یکی از مولفه‌های بروز پدیده دختران فراری، قرار گرفتن در معرض خشونت‌های روحی، جسمی و جنسی است. شمار قابل توجهی از دختران به علت بدرفتاری، بی‌توجهی، کم‌توجهی و در نهایت ضرب و جرح از سوی والدین و سایر اعضای خانواده نظیر: نامادری، ناپدری، برادر بزرگتر و حتی در برخی موارد از سوی اقوام و آشنایان از خانه گریزان شده و اقدام به فرار می‌کنند.

صغری ابراهیمی قوام و متین خطیب‌زاده در مقاله‌ای که در فصلنامه مطالعات پلیس زن در سال 92 منتشر شده به بررسی موضوع «وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوءاستفاده از آنان» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه از 33 نفر از دختران فراری 15-20 سال تشکیل شده است.

اما یافته‌های این محققان حاکی از آن است که در صورت ایجاد تنش، دگرگونی و سردی روابط بین اعضای خانواده و ارضاء نشدن نیازهای نوجوانان، ممکن است آنها به رفتارهای نابهنجار از آن جمله فرار دست زنند. فرار نوجوانان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شود ضمن آنکه انواع سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و هیجانی در بین دختران فراری مشاهده می‌شود.

سوءاستفاده جنسی رویدادی خانمان برانداز است و همچون ضرب و شتم و کتک‌کاری می‌تواند عامل موثری در فرار دختران نوجوان از منزل قلمداد شود. این اتفاق مخرب‌ترین رویداد زندگی فرد است و تأثیر خود را برای همیشه به شکل‌های مختلف نشان می‌دهد. همچنین آنها غالباً سابقه محرومیت عاطفی، اختلال‌های شخصیت، سوءمصرف الکل و بیکاری داشته‌اند. عزت نفس پایین و خشم، آنها را به افراد متجاوز، حتی به اعضای خانواده خود، تبدیل کرده است.

## مبارزه با ارواح، برای حفظ و دفاع از خود



عکس: UN/DPI/Monica Paulus

### مترجم: نگار

رایج است. مردم غالباً براین باورند که مرگ، بیماری، سرقت و یا تصادف "پاپوآ گینه نو" اتهام جادوگری میان جوامع ساکن در ارتفاعات ریشه در جادوگری دارد که اغلب کار یک زن تبه کار است. مونیکا پلوس فعال حقوق بشر محافظت از این قبیل زنان را که به اشتباه متهم می‌شوند به عهده دارد. او بی‌باک، مصمم و صریح است و زنان و دختران زیادی را که متهم به جادوگری بوده اند را از مجازات‌های خشونت آمیز و یا مرگ نجات داده است.

به دلیل مخالفت افکار عمومی، مونیکا برای حفاظت از این زنان، اغلب آنها را از جوامع آنها جابجا می‌کند. او زمین و آسمان را بهم می‌

دوزد تا اطمینان حاصل کند که آنها به عدالت دسترسی دارند. او به دادگاه می رود و استراحت ندارد تا زمانی که مجرمان مجازات شوند، گاهی برنده است و گاهی بازنده اما مونیکا حاضر نیست تسلیم شود و دست بکشد.

دو عامل به من کمک کرده تا به جایی که امروز هستم برسم؛ خواسته قلبی من و اینکه خودم نیز قربانی خشونت بوده ام. آن زمان که یک قربانی بودم هیچ کسی در کنار من نبود بنابراین می خواهم برای زنان دیگر کسی باشد. ما باید حامی یکدیگر باشیم و به خاطر داشته باشیم که انجام این کار ضروری است. قربانیان خیلی خوشحال می شوند اگر یک حامی برای دفاع از آنها وجود داشته باشد، این محرک من برای دفاع از حقوق بشر است.

هر روز که می گذرد اعتقاد راسخ او به حمایت و دفاع از زنان متهم قوی تر و بیشتری شود.

شما هرگز نباید خود را به دلیل زن بودن دست کم بگیرید، هر کاری را که فکر می کنید می توانید انجام دهید؛ می توانید "او می گوید: انجام دهید. ما باید در کنار هم بایستیم و از حقوق انسانی یکدیگر حمایت و دفاع کنیم. تا زمانی که احترام وجود نداشته باشد، دنیا "تعادل ندارد"

15 May 2014

[لینک منبع](#)

---